irannewspaper.ir

شنبه ۲۴ آبان ۱۴۰۴ • سال سی و یکم • شماره ۸۸۸۶
• اذان ظهر ۱۱/۴۹ • اذان مغرب ۱۷/۱۷ • نیمه شب شرعی ۲۳/۰۶ • اذان صبح فردا ۰۵/۱۴ • طلوع آفتاب فردا ۰۶/۴۱

«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

ایران

• صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی

• مدیر مسئول:
صادق حسین جابری انصاری

• سردبیر:
هادی خسروشاهین

مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران
• رئیس هیأت مدیره: صادق حسین جابری انصاری
• مدیرعامل: علی متقیان
• تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ • نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ • ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵ • امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
• پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵
• نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه‌های همشهری
• سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ • انتشارات مؤسسه فرهنگی- مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۰۴۱۱۳

سخن روز

امام علی (ع):
هر کس با کتاب‌ها آرام گیرد، هیچ آرامشی را از دست نداده است.

غرر الحکم، ج ۵، ص ۲۳۳، ح ۸۱۲۶.

نقل قول

خالقی جایگاه ویژه‌ای در تاریخ موسیقی ایران دارد

هرچند هنرمندان و چهره‌هایی مانند وزیری و صبا نیز در مسیر توسعه موسیقی مدرن کشور نقش داشته‌اند، اما خالقی به دلیل همکاری نزدیک و تأثیرگذاری‌اش در کنار آنها، جایگاه ویژه‌ای در تاریخ موسیقی ایران دارد. او از سال ۱۳۲۳ در کنسرت‌ها و جشنواره‌های موسیقی و در قالب فعالیت‌های انجمن موسیقی حضور مؤثری داشت و با وجود کمبود دستمزد، موسیقی را نیازی حیاتی برای کشور می‌دانست؛ مردمی هم که ارزش کار او را می‌دانستند، با استقبال گرم خود این کمبود را جبران می‌کردند.
خالقی همچنین در تأسیس مدرسه عالی موسیقی و هنرستان موسیقی ملی نقش اساسی داشت؛ اقدامی که موجب شد آموزش موسیقی در ایران شکل علمی‌تر و رسمی‌تری پیدا کند. او در آن زمان کتاب‌ها و دستگاه ضبط صوت شخصی خود را برای آموزش در اختیار هنرستان قرار می‌داد و با تواضع، ادب و عشق فراوان به کار می‌پرداخت.

فرهاد فخرالدینی در مراسم اختتامیه سومین جشنواره آهنگسازی استاد روح‌الله خالقی / ایران

علیرضا عصار قطعه جدیدی منتشر کرد

تک‌آهنگ «دریای تشنه» با شعری از یاسر قنبرلو، آهنگسازی و خوانندگی علیرضا عصار با محوریت پاسداشت میهن منتشر شد.
علیرضا عصار خواننده پیشکسوت موسیقی پاپ با انتشار این قطعه در صفحه شخصی خود در فضای مجازی نوشت: «ترانه دریای تشنه را با شعری زیبا و عمیق از یاسر قنبرلوی عزیزم با آهنگسازی خودم و تنظیم درخشان و شنیدنی مسعود همایونی عزیزم با عشق به شما تقدیم می‌کنم. شاید تنها با نیروی عشق بشه از این ظلماتی که از هر طرف ایران عزیزمون رو احاطه کرده رد بشیم و یک بار دیگه در کنار هم به خورشید و نور و روشنایی برسیم.» /ایران

سریال «حضرت موسی (ع)» حاتمی کیا، ۵۰ قسمتی شد

به گفته پیمان جبلی، رئیس صداوسیما، تولید سریال «حضرت موسی (ع)» پس از حدود ۳۰ سال تأخیر آغاز شده و قرار است در ۵۰ قسمت ساخته شود.
بر مبنای برنامه‌ریزی صورت گرفته، هدف گروه تولید این پروژه این بوده که هر ماه، یک اپیزود از این سریال را تولید کنند. بنابراین پیش‌بینی می‌شود که این پروژه در مجموع حدود ۵۰ ماه به طول بینجامد. البته قرار است همزمان با تولید قسمت‌ها، پخش آنها نیز آغاز شود. یعنی احتمالاً به محض آماده شدن چند اپیزود اول، روند پخش سریال آغاز می‌شود. /ایران

ارکستر سمفونیک تهران با یک رهبر خانم اجرا شد

ارکستر سمفونیک تهران برای نخستین بار با رهبری یک بانوی موسیقیدان روی صحنه تالار وحدت رفت. این کنسرت با آثاری از آهنگسازان زن ایرانی در کنار قطعاتی از بزرگان موسیقی کلاسیک جهان برگزار شد. قطعاتی همچون «امپرامپتو اپوس ۵» از ژان سیبلیوس و «سیمرغ»، «زمزمه» اثر گلفام خیام و قطعه «دیار» از آفتاب درویشی. پانیذ فریوسفی در پایان اجرا ضمن تشکر از نوازندگان ارکستر، مدیریت بنیاد رودکی و شورای هنری بنیاد به دلیل اعتماد برای سپردن رهبری ارکستر، این اجرا را به تمام مادران و زنان ایران و به‌طور ویژه به مادر خود تقدیم کرد. /ایران

به بهانه تجلیل از جمشید هاشم‌پور در اختتامیه نهمین جشنواره فیلم شهر

فراتر از نقش، فراتر از قاب، فراتر از زمان

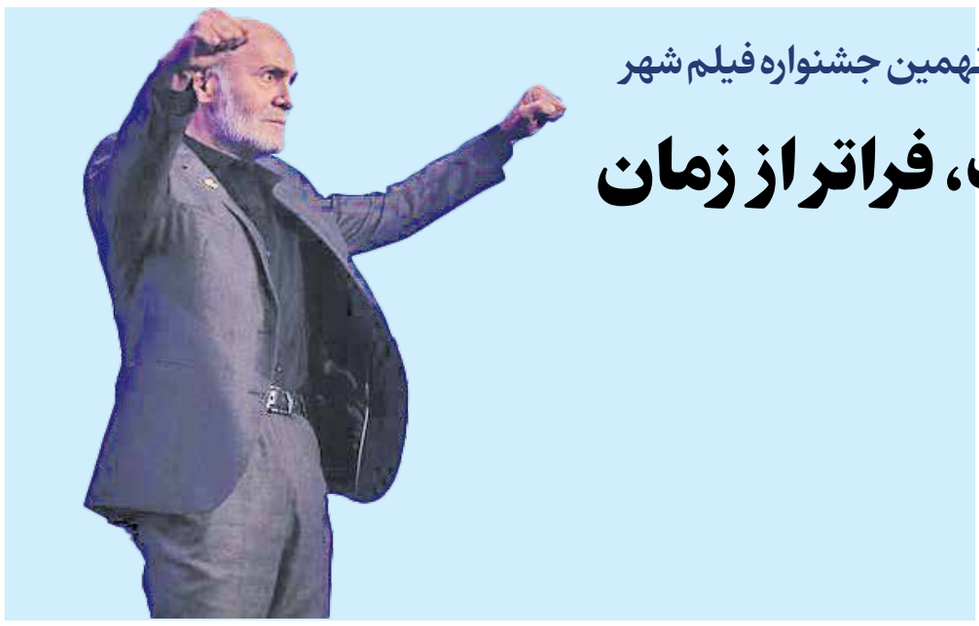

بزرگداشت

جعفر گودرزی
رئیس انجمن منتقدان سینما

جامعه سینمایی ایران در اختتامیه نهمین جشنواره فیلم شهر گرد هم آمد تا از چهره‌های سینما و تلویزیون تجلیل کنند. جمشید هاشم‌پور پیشکسوت عرصه هنر و بازیگری با تشویق حضار روی صحنه آمد و هدیه ویژه این بخش را دریافت کرد.
جمشید هاشم‌پور از تبار بازیگرانی است که سینما را نه در قاب که در رگ‌هایشان حمل می‌کنند؛ مردانی که نقش برایشان لباس و پوشش نیست، پوست دوم است. او را اگر از دور نگاه کنی، شبیه صخره‌ای‌ست که با باد و باروت بزرگ شده؛ پناهگاهی که مردم، بی‌آنکه بدانند چرا، در دلِ فروپاشی جهان به سویش می‌روند. او قهرمان بی‌شعار است؛ مردی که نه فریاد می‌خواهد نه هیاهو.
سال‌ها از دل نقش‌هایی گذشته که آتش، دود و خطر در آن عادی بود، اما پیش از آنکه سینما او را قهرمان بخواند، در زندگی، مرگ را از شانه مردم کنار می‌زد و به زندگی پس می‌داد. کمتر کسی در سینمای ما توانسته مرز میان واقعیت و پرده را این‌قدر باریک کند؛ کمتر کسی بوده که قهرمانی‌اش نوشته فیلمنامه نباشد، بلکه پشتِ صحنه زندگی امتحان شده باشد. او شبیه هیچ‌کس نیست و هیچ‌کس شبیه او نشد؛ نه می‌شود سایه‌اش شد و نه می‌شود وزن قدم‌هایش را تقلید کرد. او از آن نسل است که قهرمان نمی‌سازد، قهرمان می‌ماند. او فراتر از نقش است، فراتر از قاب، فراتر از زمان؛ او خودِ اسطوره است، مردی که نه در نقش، بلکه در حقیقتِ خودش بی‌تکرار ماند.
اگر سینما شهری بزرگ باشد، خانه او قلعه‌ای‌ست بر بلندای تپه‌ای سخت؛ جایی که پرچم در باد نمی‌لرزد و حضورش هنوز دلیل استواری دیوارهای این هنر است. او قهرمان اسطوره‌پرداز نیست، خودِ اسطوره است.
هاشم‌پور در سینمای ایران کاراکتر نیست؛ یک شمایل است، یک تعریف تازه از مردانگی آرام و محکم. قهرمانی که از دل واقعیتِ سخت برآمده، نه از صفحات نوشته.
چشم‌هایش روایت‌هایی دارند که هیچ دیالوگی در برابرشان قد نمی‌کشد؛ سکوتش صدایی‌ست که همه می‌شنوند، و قدم‌های آرامش می‌تواند سنگینی یک صحنه را جابه‌جا کند. کارگردان‌ها می‌دانند وقتی وارد قاب می‌شود، نیازی به تأکید نیست؛ قهرمان آمده و دوربین فقط باید کنار برود.
در روزگاری که بسیاری از قهرمان‌ها روی کاغذ ساخته می‌شدند، او ثابت کرد قهرمان باید وزن داشته باشد؛ وزنی که از خطر، از تجربه، از نجات و از زندگی زیسته ساخته شده. او فقط بازیگر نبود و نیست، مکان وقوع قهرمانی است؛ جایی که خطر معنا پیدا می‌کرد و نجات، فقط واژه نبود، اتفاق بود.
هاشم‌پور از معدود بازیگرانی است که اگر قاب نباشد، خودش قاب می‌سازد؛ اگر نور خاموش شود، حضورش روشنایی را وادار به بازگشت می‌کند. در سینمای ایران بسیاری آمدند و رفتند، اما او ماند، چون چیزی داشت که فراتر از نقش و چهره است: وزن حضور.
جمشید هاشم‌پور قهرمان نیست؛ معیار قهرمان‌بودن است. سینما به او مدیون است؛ چون او نه بازیگر، که معیارِ قهرمان‌بودن را به پرده آورد. مردی که نه در نقش که در حقیقتِ خودش، بی‌تکرار ماند...
جمشید هاشم‌پور نشان داد تنها قهرمان روی پرده نیست، بلکه در واقعیت هم تلاش می‌کند قهرمان باقی بماند. او با ورزش کردن به جنگ و نبرد با بیماری و کسالت رفته تا تسلیم بیماری نشود و حال وخیم او را خم نکند. حضور قبراق او در مراسم تجلیلش در اختتامیه نهمین جشنواره فیلم شهر نشان داد که او نه فقط نقش آفرین سینمایی که راوی امید هم هست. حضور او به نوعی در ستایش امید بود. امید به زندگی. قهرمان‌ها همیشه راوی امیدند.

> هاشم‌پور از معدود بازیگرانی است که اگر قاب نباشد، خودش قاب می‌سازد. در سینمای ایران بسیاری آمدند و رفتند، اما او ماند، چون چیزی داشت که فراتر از نقش و چهره است: وزن حضور

پیشخوان فرهنگی

مرور آثار یدالله صمدی در تلویزیون

شبکه نمایش در ادامه تجلیل از فیلمسازان برجسته سینمای ایران، این هفته را به مرور آثار یدالله صمدی اختصاص داده است.
از شنبه ۲۴ آبان تا پنج‌شنبه ۲۹ آبان، مجموعه‌ای از فیلم‌های شاخص این کارگردان از جمله «تکم چی»، «پدر آن دیگری»، «دو نفر و نصفی»، «آپارتمان شماره ۱۳»، «ساوالان» و «اتوبوس» روی آنتن می‌رود تا مخاطبان فرصتی دوباره برای تماشای بخشی از تاریخ سینمای اجتماعی ایران پیدا کنند.
فیلم سینمایی «تکم چی» به کارگردانی یدالله صمدی شنبه ۲۴ آبان ساعت ۱۹ پخش می‌شود.
فیلم «پدر آن دیگری» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی یدالله صمدی یکشنبه ۲۵ آبان ماه ساعت ۱۹ روانه آنتن می‌شود.
فیلم سینمایی «دو نفر و نصفی» که با نگاهی به داستان «سه مرد و یک سبد» اثر «کولین سرو» به نگارش در آمده است، دوشنبه ۲۶ آبان ماه ساعت ۱۹ پخش می‌شود.
فیلم سینمایی «آپارتمان شماره ۱۳» به کارگردانی یدالله صمدی سه‌شنبه شب، ۲۷ آبان ماه ساعت ۱۹ روی آنتن می‌رود.
فیلم سینمایی «ساوالان» محصول سال ۱۳۶۸ به کارگردانی یدالله صمدی چهارشنبه ۲۹ آبان ساعت ۱۹ پخش می‌شود.

«اتوبوس» به کارگردانی یدالله صمدی محصول ۱۳۶۴، پنجشنبه ۲۹ آبان ماه ساعت ۱۹ روی آنتن می‌رود.

«بازگشت گمورا» به «کافه مستند» رسید گفت‌وگوی رزاق کریمی با حسن روحانی

قسمت بیستم برنامه «کافه مستند» به نمایش مستند «بازگشت گمورا» به کارگردانی محمدجواد رئیسی اختصاص دارد.
فصل دوم برنامه «کافه مستند» به قسمت بیستم رسیده و قرار است در این قسمت مستند «بازگشت گمورا» محصول سازمان هنری رسانه‌ای اوج به کارگردانی محمدجواد رئیسی به نمایش درآید.
این اثر جمعه ۲۳ آبان ساعت ۱۵ با محدودیت سنی روی آنتن شبکه افق رفت و پس از آن محسن یزدی به عنوان مجری با کارگردان اثر و همچنین حسین شمقدری مستندساز به گفت‌وگو نشست.
مستند «بازگشت گمورا» به بررسی سیر تحول زیست جنسی در غرب و طرفداران آن و معضلات اخلاقی ناشی از این سیر می‌پردازد.
مسترکلاس مصطفی رزاق کریمی با عنوان «مصاحبه با حسن روحانی» و اخبار مستند در هفت روز اخیر با اجرای نرگس مهراجی بخش‌های بعدی برنامه را تشکیل می‌دهند.
فصل دوم برنامه «کافه مستند» با اجرای محسن یزدی، تهیه‌کنندگی مهدی انصاری و سردبیری نگین ریاضی در حال پخش است که هر جمعه ساعت ۱۵ روی آنتن می‌رود و تکرار آن سه‌شنبه شب ساعت ۲۱ است.

نمایش «قرمز» فریدون جیرانی در سینماتک موزه هنرهای معاصر تهران

سینماتک موزه هنرهای معاصر تهران با همکاری مؤسسه فرهنگی و هنری «حقوق و هنر»، در ادامه برنامه‌های تخصصی خود، این هفته میزبان نمایش و بررسی فیلم «قرمز» به کارگردانی فریدون جیرانی است.
این برنامه با عنوان «حقوق در سینما؛ درام‌های دادگاهی» روز یکشنبه ۲۵ آبان ماه ۱۴۰۴ از ساعت ۱۵:۳۰ در سالن سینماتک موزه هنرهای معاصر تهران برگزار می‌شود.
دبیر جلسه امیرحسین سلیمیان است و نقد و گفت‌وگو پیرامون فیلم نیز با حضور مهدی کوهیان، حقوقدان و کارشناس ارشد حقوق ارتباطات انجام خواهد شد.
علاقه‌مندان جهت دیدن فیلم می‌توانند به خیابان کارگر شمالی، جنب پارک لاله، موزه هنرهای معاصر تهران، سالن سینماتک مراجعه کنند. حضور برای عموم آزاد و رایگان است.
فیلم سینمایی «قرمز» به کارگردانی و فیلمنامه‌نویسی فریدون جیرانی، تهیه‌کنندگی حبیب اسماعیلی و سید غلامرضا موسوی با بازی هدیه تهرانی و محمدرضا فروتن، یکی از فیلم‌های جریان‌ساز سینمای اجتماعی بود.

در سوگ وصال روحانی؛ روزنامه‌نگار پیشکسوت

مرد آرام تحریریه با کاغذهای کاهی

عکس: ایران

یادبود

رضا صائمی
دبیر گروه فرهنگی

حالا که دارم این یادداشت را می‌نویسم، باورم نمی‌شود که تا همین چند ماه پیش، وصال روحانی در سرویس فرهنگی روزنامه کنار ما نشسته بود با آن کاغذهای کاهی که یار همیشگی‌اش بود و مطالبش را در آن می‌نوشت؛ از متن‌های تألیفی خودش تا ترجمه‌هایش از سینمای جهان؛ یا سوژه‌هایی را که به او سفارش داده بودم در آن می‌نوشت یا سوژه‌هایی که خودش به من پیشنهاده داده بود بر آن کاغذها قلمی می‌کرد.
تقدیر چنین بود که شروع کار من با روزنامه ایران با پایان کار او و بازنشستگی‌اش در اینجا گره بخورد اما نمی‌دانستم که تقدیر قرار است چند ماه بعد قصه مرگش را رقم بزند؛ قصه روزنامه‌نگار ساکت و آرامی که در فضای شلوغ تحریریه همواره در سکوت و کم‌حرفی، سرش به کارش بود. من که سال‌ها حتی پیش از آنکه روزنامه‌نگار شوم، نامش را در روزنامه‌ها دیده و یادداشت‌ها و ترجمه‌هایش را خوانده بودم، گمان نمی‌کردم چنین آرام و کم‌حرف باشد. گویی حرف‌هایش را با واژه‌ها و به میانجی کاغذ و قلم می‌زد و حروف را بر کلام ترجیح می‌داد.
بیست سالی از من بزرگ‌تر بود و سابقه حرفه‌ای‌اش او را در کسوت یک روزنامه‌نگار پیشکسوت قرار می‌داد. همین کافی بود در ابتدا وقتی می‌خواستم به عنوان دبیر سرویس مطلبی به او سفارش دهم، معذب باشم اما تواضع و فروتنی وصال، تعاملم با او را آسان کرد و به یک همکاری دوستانه کشاند.
بی‌اغراق او یکی از خاص‌ترین روزنامه‌نگارانی بود که در عمر حرفه‌ای‌ام دیده بودم و چند ماهی همکار بودیم. اگر بخواهم او را توصیف کنم، بهتر است بگویم وصال روحانی شمایل یک روزنامه‌نگار کلاسیک و اصیل بود؛ روزنامه‌نگاری که اهل شوآف و شلوغ‌بازی نبود و روزنامه‌نگاری بیش از آنکه مشغله‌اش باشد، دغدغه‌اش بود؛ چنانکه بعد از سی‌واندی سال که در رسانه‌های مختلف حضور داشت، کمتر از او عکسی می‌بینیم و حتی تلفن همراه هم نداشت.
به نظر می‌رسید او دنیا را از منظر خاص خودش می‌دید و زیست-جهان فردیت‌یافته خود را زندگی می‌کرد. کم حرف می‌زد اما هرگاه که زبان به کلام می‌گشود، رد عشق و علاقه‌اش به فوتبال، سینما و هنر و البته اطلاعات و سوادش در این زمینه‌ها را می‌توانستی حس کنی. روزنامه‌نگاری پررمز و راز که سکوتش سرشار از ناگفته‌ها بود؛ ناگفته‌هایی که هیچ‌گاه به قلم درنیاورد تا آن کاغذهای کاهی همیشگی‌اش، عشق‌نامه او باشد؛ حکایت و روایت عشقش به فوتبال و سینما. گویی آن کاغذهای کاهی، گواه مکتوبی از دغدغه‌هایش بود، نه دردهایی که دقش می‌داد. او تنها بود و تنها به کارش عشق می‌ورزید؛ به نوشتن در سکوت، به روزنامه‌نگاری بی‌هیاهو و بی‌حاشیه.
روزنامه‌نگاری که انگار سال‌های درازی، تنهایی طولانی خود را به دوش می‌کشید و آنقدر وسعت تنهایی‌اش گسترده و سترون بود که کسی را به آن راهی نبود. گاهی که در هیاهوی تحریریه او را ساکت و آرام مشغول نوشتن پشت میزش می‌دیدم، به یاد این سخن سهراب سپهری می‌افتادم: «وسیع باش و تنها، سر به زیر و سخت.»
گویی او وارث این شعر سهراب بود: «به سراغ من اگر می‌آیید نرم و آهسته بیایید، مبادا که ترک بردارد چینی نازک تنهایی من...» او عمری را به نوشتن و روزنامه‌نگاری زیست و به عشق آن زنده بود. وقتی میان عاشق و معشوق فراق بیفتد، از پا می‌افتد.
جان وصال به شور و حال روزنامه‌نگاری وصل بود و شاید گسستش از آن، او را از هم گسست. تلفن همراه نداشت و شاید از معدود کسانی بودم که تلفن خانه‌اش را به من داد برای پیگیری کارهای اداری‌اش. از بازنشستگی و بیکاری‌اش بیقرار بود و در آخرین گفت‌وگوهای تلفنی که داشتیم، گفته بود اگر جایی برای نوشتن سراغ داشتی به من بگو.
نشد، نه اجل مهلت داد و نه جایی برای نوشتن پیدا کردم که به او زنگ بزنم و بگویم بنویس، دوباره بنویس وصال و من گمان نمی‌کردم میان نوشتن و نام وصال روحانی، مرگ بهانه‌ای می‌شود تا به جای سفارش دادن مطلب به او، از خود او بنویسم؛ در سوگ نبودنش. هنوز برخی لوازم شخصی‌اش در روزنامه مانده است؛ چند خودکار و چند برگ از آن کاغذهای کاهی. به این کاغذها می‌نگرم و می‌اندیشم که هنوز حرف‌های زیادی بود تا وصال روحانی بر آن کاغذهای کاهی بنویسد، مشق مرگ اما آن برگ‌ها را برای همیشه خالی گذاشت. یادش جاودان.

گرافیک چطور به صلح و گفت‌وگوی فرهنگی کمک می‌کند؟

گرافیک و دیالکتیک

یادداشت

نگار بهرامی
مدیر هنری و طراح گرافیک

گرافیک صرفاً یک ابزار بصری نیست؛ بلکه یک زبان جهانی است که بدون نیاز به ترجمه می‌تواند احساس، معنا و درک را منتقل کند. در شرایطی که کلمات گاهی فاصله ایجاد می‌کنند، تصویر توانایی ایجاد پل میان فرهنگ‌ها و انسان‌ها را دارد. گرافیک می‌تواند سوءتفاهم‌ها را کاهش دهد، احترام بسازد و زمینه گفت‌وگو را فراهم کند.
قدرت تصویر این است که مفاهیم پیچیده را به شکلی قابل فهم و مستقیم منتقل کرده و در عین حال، تأثیری پایدار در ذهن مخاطب ایجاد کند.
طراح گرافیک نقش یک مترجم فرهنگی دارد؛ فردی که باید بداند در هر فرهنگ رنگ‌ها چه معنایی دارند، چه نمادهایی حساسیت‌برانگیز هستند و چگونه می‌توان بدون تحمیل، ارتباط مؤثر برقرار کرد. این آگاهی، نوعی دیپلماسی بصری است که فراتر از زیبایی‌شناسی صرف عمل می‌کند. در پروژه‌های بین‌المللی، شناخت دقیق فرهنگ جامعه مقصد، همواره اولین و مهم‌ترین قدم است؛ زیرا طراحی بدون درک فرهنگ به جای ایجاد گفت‌وگو، می‌تواند سوءتفاهم و سردرگمی ایجاد کند.
گرافیک فقط ابزار زیبایی نیست؛ بلکه مسئولیتی جدی در برابر جامعه و ذهن مخاطبان ایجاد می‌کند. هر تصمیم درباره فرم، رنگ، ترکیب‌بندی و نشانه‌ها می‌تواند پیام متفاوتی منتقل کند و تأثیر عمیقی بر ادراک مخاطب داشته باشد. طراحی حرفه‌ای مستلزم تحلیل دقیق محیط، شناخت مخاطب و درک اجتماعی-فرهنگی است تا تصویر بتواند عملکردی فراتر از ظاهر و جذابیت ظاهری داشته باشد.
گرافیک همچنین فرصتی فراهم می‌کند تا تفاوت‌ها به وضوح نمایش داده شوند و مخاطب یاد بگیرد آنها را نه تهدید، بلکه به‌عنوان ارزش و تنوع ببیند. تصویر درست می‌تواند ذهن‌ها را آرام کند، پیش‌داوری‌ها را کاهش دهد و زمینه گفت‌وگو و همکاری را فراهم کند. این توانایی، گرافیک را به ابزاری تأثیرگذار در حوزه اجتماعی و فرهنگی تبدیل می‌کند؛ جایی که پیام‌ها بدون واژه‌ها منتقل می‌شوند و می‌توانند مخاطب را به تأمل و تعامل دعوت کنند.
اگرچه گرافیک قادر به توقف جنگ یا مشکلات جهانی به صورت مستقیم نیست، اما می‌تواند ذهن‌ها را آماده گفت‌وگو کند و زمینه‌ای برای همفکری و صلح فراهم آورد. در دل این تعامل، گفت‌وگو و درک متقابل شکل می‌گیرد و تغییرات فرهنگی و اجتماعی به مرور امکان‌پذیر می‌شوند. هر پروژه طراحی، حتی کوچک‌ترین، می‌تواند سهمی در ایجاد جهانی آرام‌تر و انسانی‌تر داشته باشد؛ جهانی که در آن درک، احترام و تصویر به هم پیوند خورده‌اند.
در نهایت، گرافیک ابزار ارتباطی قدرتمندی است که می‌تواند ذهن و احساس یک جامعه را تحت تأثیر قرار دهد. اهمیت آن تنها به زیبایی محدود نمی‌شود، بلکه شامل مسئولیت و تأثیرگذاری بر مخاطب است. یک تصویر با طراحی درست و آگاهانه، می‌تواند پیام‌ها را با دقت منتقل کرده، سوءتفاهم‌ها را کاهش دهد و ارزش‌های انسانی و فرهنگی را ترویج کند. به همین دلیل، طراحی گرافیک حرفه‌ای نیازمند شناخت دقیق، تحلیل عمیق و توجه کامل به جزئیات است تا به شکلی اثرگذار و مسئولانه با مخاطب ارتباط برقرار کند.